

فرم مراحل طرح بحث

مدل شماره: ۱

مرحله دوم

نام خانوادگی: کارگاه: مدیر کارگاه: تاریخ:

	موضوع	انسان شناسی	
مقدمه	<p>شروعها و ایجاد</p> <p>انگیزه</p> <p>قصه گویی</p> <p>خاطره</p> <p>شعر</p> <p>نثر ادبی</p> <p>دعا</p> <p>طنز</p> <p>ابهام</p> <p>سؤال</p> <p>تعریف مطلب</p> <p>ضرورت مطلب</p>	<p style="text-align: center;">بزرگترین گناه، عظیم ترین مجازات</p> <p>آیا تا به حال از خود پرسیده ایم بزرگترین گناه عالم چیست ؟ شاید بگوییم غیبت ، دزدی ، نگاه به نامحرم و ... (شنیدن پاسخ ها و عکس العمل نشان دادن به پاسخ دانش آموزان) توجه به همه افراد کلاس در مکان ها و موقعیت ها مختلف و سطوح متفاوت) پرسش دیگری مطرح کنیم آیا می دانید عظیم ترین مجازات الهی چیست؟ شاید وقوع زلزله، سیل، مرگ و دیگر بلاهای طبیعی، اولین پاسخ هایی باشد که به ذهن ما خطور می کند؛ شنیدن پاسخ های دانش آموزان</p> <p>اما خداوند که خالق انسان است یکی از بزرگترین گناهان را خدا فراموشی و مجازات آن را خود فراموشی معرفی می کند</p> <p>حضرت حق در قرآن می فرماید :</p> <p>«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ همانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خداوند نیز بالای خود فراموشی را بر آنان نازل فرمود.</p> <p>آری؛ شاید کمتر کسی از این بالای جان سوز یاد کند، اما حقیقت اینست که گاهی بلاهای طبیعی داروهایی تلخ هستند که جان انسانها را نجات می دهند؛ هر چند کودکانه و اشک آلود آن را سر بکشیم، اما بالای خود فراموشی مجازاتی است سخت؛ مجازاتی که در برابر بزرگترین گناه (فراموشی خداوند) قرار داده شده است. (مربی باید آمادگی پاسخ دهی درباره بلاهای طبیعی و شرور را داشته باشد)</p> <p>وابسته به دفتر نمازنگاه مقام معظم رهبری</p> <p>در اتگویند در بنی اسرائیل، مردی بود که می گفت: من در همه عمر، خدا را نافرمانی کرده ام و بسی گناه و معصیت که از من سر زده است؛ اما تاکنون زبانی و کیفری ندیده ام. اگر گناه، جزا دارد و گناهکار باید کیفر ببیند، پس چرا ما را کیفری و عذابی نمی رسد؟! در همان روزها، پیامبر قوم بنی اسرائیل نزد آن مرد آمد و گفت: «خداوند می فرماید که ما تو را عذاب های بسیار کرده ایم و تو خود نمی دانی! آیا تو را از شیرینی عبادت خود محروم نکرده ایم؟! آیا در مناجات را بر روی تو نبسته ایم؟! آیا امید به زندگی خوش در آخرت را از تو نگرفته ایم؟! عذابی بزرگ تر و سهمگین تر از این می خواهی؟!»^۲</p> <p>نیست در عالم ز هجران تلخ تر</p> <p>هر چه خواهی کن و لیکن آن مکن</p> <p>اما مگر ممکن است انسان خود را فراموش کند؟</p> <p>به نظر شما چگونه ممکن است انسان خود را فراموش کند؟</p> <p>تمامی فعالیت های ما از آغاز روز بدنبال رشد و ارتقاء خود هستیم وقتی صبحانه می خوریم ، درس می خوانیم ، ورزش می کنیم ، یا حتی می خوابیم به دنبال رشد و ارتقاء خود هستیم پس چگونه می شود که کسی خود را فراموش کند؟(تلاش مربی برای تقویت شبهه)</p> <p>شنیدن پاسخ دانش آموزان</p>	<p>توضیح چگونگی ارتباط با مسأله یابی و مطالب قبل و بعد و علت انتخاب قالبها</p> <p>طرح پرسش و ابهام به همراه داستان</p>

سؤال
بیان موضوع
نظریه پردازی
تقسیم و تنظیم
انتخاب قالب
مناسب
انواعی
درد و درمان
تنوعی
بارش فکری

ماشینی آمبولانسی را در نظر بگیرید که به سرعت در مسیر رساندن بیماری به بیمارستان است، اما در راه ناگهان راننده از ماشین پیاده شده و به تمیز کردن سپر و لاستیک ماشین مشغول می‌شود. وقتی به راننده اعتراض می‌شود که «این چه وقت تمیز کردن ماشین است؟»، از لزوم رسیدگی به ماشین سخن می‌گوید! انسان‌ها نیز در حقیقت، روحی هستند که در مرکب جسم سوار شده‌اند و جسم وسیله‌ای برای رشد و تعالی روح است. اما بسیاری از انسان‌ها، خود (روح خود که حقیقت آنها را تشکیل می‌دهد) را با مرکب خود (بدن و جسم انسان) اشتباه می‌گیرند و به جای رسیدگی به «خود»، به «ناخود» خویشتن می‌پردازند. بله اگر کسی خود را با خرس اشتباه گرفت دچار خسارتی بسیار بزرگ خواهد شد و تمامی افکار، احساسات، انتخاب‌ها و اعمال او در مسیر اشتباهی شکل می‌گیرد زندگی او زندگی بر محور یک حیوان است و یک عمر زندگی اشتباهی یعنی یک عمر به جای رشد و ارتقای خود حقیقی به دنبال رشد و ارتقای خود حیوانیمان باشیم. به بیان دیگر چنین انسانی دنیا را یک چراگاه می‌بیند که تنها باید بخورد و بخوابد و در نهایت اگر از چنین انسانی بپرسیم ثمره و میوه زندگی تو در این دنیا چیست؟ می‌گوید یک منزل صد یا ... متری یک ماشین و ... مولوی در تبیین این اشتباه بزرگ داستان زیبایی را بیان می‌کند

فرض کنید انسان، زمینی جهت ساختمان برای خودش تهیه کرده به هر علتی روزها نمی‌رود آنجا ساختمان بسازد و هنگام شب، عمله و بنا و مهندس و مصالح می‌فرستد آنجا تا یک ساختمان بسازند برای اینکه در آن سکونت بکنند. پولها خرج می‌کند و خانه‌ای می‌سازند مکمل و مجهز و او هم خاطرش جمع که خانه خیلی خوبی برای خودش ساخته است. آن روزی که حرکت می‌کند برود داخل خانه، وقتی نگاه می‌کند، می‌بیند خانه را در زمین دیگران ساخته! خانه را ساخته، ولی نه در زمین خودش؛ در زمین دیگران! زمین خودش چطور؟! لخت و عور آنجا مانده. چه حالتی به انسان دست می‌دهد؟ می‌گوید: این، حالت همان آدمی است که وارد قیامت می‌شود و خودش را می‌بیند مثل یک زمین لخت؛ آن که برایش کار نکرده، خودش است و در اتحادیه آن که برایش کار کرده، او نبوده؛ آموزش آموزان

در زمین دیگران خانه مکن
کار خود کن کار بیگانه مکن
کیست بیگانه؟ تن خاکی تو
کز برای اوست غمناکی تو
تا تو تن را چرب و شیرین می‌دهی
گوهر جان را نیایی فریبی
گر میان مشک، تن را جا شود
وقت مردن گند آن پیدا شود
اگر این بدن را همیشه توی مشک بگذاری، همین قدر که مرد، دو روز که بگذرد عفونت می‌گیرد و مردم مجبورند برای فرار از عفونتش، آن را دو متر زیر خاک مخفی بکنند.
مُشک را بر تن مز، بر جان بمال
مُشک چه بود؟ نام پاک ذوالجلال^۳

استفاده از تمثیل، پرسش
شعر و داستان

حل مسأله (انتقاع اندیشه)	<p>جواب سؤال</p> <p>نقد و بررسی</p> <p>تجزیه و تحلیل موضوع</p> <p>ساختار شکنی ذهنی</p> <p>ارایه آمار و ارقام</p> <p>استدلال و برهان</p> <p>تعلیل و توجیه</p> <p>استناد و تأکید</p> <p>انتخاب قالب مناسب</p> <p>مقایسه‌ای</p> <p>تشبیهی</p> <p>تقریر و تحریر</p> <p>ایجاد تنوع</p> <p>با</p> <p>(حکایت، طنز، شعر، خاطره، دعا، معما، اجرای مسابقه و ...)</p> <p>نقطه اوج</p> <p>محتوایی</p>	خاتمه و جمع بندی	تکلیف	توضیحات
<p>اجازه دهید این پرسش را از منظر دیگری مطرح کنیم</p> <p>از آنچه گذشت می توان موضوع بسیار مهمی را استخراج کرد و آن هم ضرورت خود شناسی است</p> <p>اهمیت این شناخت تا آنجاست که در روایات بسیاری جاهل به نفس جاهل به کل شیء شمرده شده به نظر شما چرا جاهل به خود(نفس) جاهل به هر چیزی است؟</p> <p>شنیدن پاسخ ها ، تایید ، رد یا تکمیل</p> <p>اگر بخواهیم یک جمع بندی و تکمیل درباره پاسخ های دوستان داشته باشیم باید بگوییم :</p> <p>انسان اشرف مخلوقات خداوند است و پروردگار عالم همه چیز را برای انسان آفریده (اشاره به آیاتی مانند و اذا قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه و مانند آن رک بهترین آفریده ابو الفضل ابو القاسمی)</p> <p>ابر و ماه و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری</p> <p>به عبارت دیگر در پازل هستی بسیاری از موجودات در جهت به کمال رسیدن انسان آفریده شده اند و در همین جهت معنای درست خود را پیدا می کنند بنابراین اگر انسان خود را درست ندید ترجمه اشتباهی از، پدر ، مادر و غذاها، دوستان... پیدا می کند در تمامی ارتباط هایش با انسان های دیگر یا حتی حیوانات و اشیاء مسیر نا صوابی را طی می کند</p> <p>برای نمونه کسی که خود را همین ظاهر پنداشت در دوست یابی خود بدنبال کسی می گردد که رشد دنیایی بیشتری نصیب او کند اگر از چنین فردی بپرسیم پدر و مادر خوب چه ویژگی هایی دارند پاسخ می دهد: پدر و مادری که لباس بیشتر یا غذا و امکانات مادی بیشتری در اختیار من قرار دهند</p> <p>اگر از او بپرسیم چه رشته یا شغلی مناسب است ؟ پاسخ می دهد که رشته یا شغلی که درآمد بیشتری نصیب من کند (بیان مثال های کاربردی و محسوس دانش آموز در این قسمت بسیار مفید است)</p> <p>و خلاصه تمامی افکار ، احساسات و انتخاب ها و رفتارهای او در مسیر همین ناخود شکل می گیرد و در نهایت درک نادرستی از تمامی هستی پیدا می کند آموزان</p> <p>بنابراین جاهل به نفس جاهل به همه چیز (کل شیء) خواهد بود</p>	گاهی لازم گاهی غیر لازم	حیطه شناختی حیطه عاطفی حیطه رفتاری	<p>در موقع اجرای برنامه باید این نکات رعایت شود. (تحریک احساس)</p> <p>۱. گرفتن حس مورد نظر.</p> <p>۲. هماهنگی لحن با محتوا و حس مورد نظر.</p> <p>۳. هماهنگی لحن و محتوا و حس با حرکات دست و چهره و چشم و ...</p> <p>۴. رعایت اوج و فرود صدایی.</p> <p>۵. رعایت و تنظیم سرعت و فرصت.</p> <p>۶. گره زدن با مخاطب.</p>	
<p>استفاده از حدیث و انتقال اهمیت شناخت خود</p> <p>نشان دادن تاثیر عملی شناخت نفس و آثار آن</p>		تاثیر بر حیطه شناختی و عاطفی و رفتاری		